

برخورد با پیام و رسانه در جنبش حزب الله لبنان

سوره

تنگناهای طبیعی هستند، آن را دستکاری نیز می کنند. به این مثال توجه کنید: فرض بگیرید سرزمینی که شما هنوز موفق به مشاهده حضور آن نشده‌اید، توسط رسانه‌ها نشان داده و اطلاعات وارد شده به حوزه فکری مغز شما از طریق رسانه‌ها ارائه شود، که اصولاً این اطلاعات بر مبنای دو حس بینایی و شنوایی شکل می‌گیرد. آیا واقعیت ذهنی شما با آن هنگامی که خودتان در آن سرزمین قرار می‌گیرید و می‌توانید آن زمین و وضعیت‌هایش را لمس کنید، عطر و بوی گیاهان آن را استشمام کنید و حتی از محصولات تازه آن بچشید یکسان خواهد بود؟ هرگز یکسان نخواهد بود.

پس پیام برای ارسال و انتقال به مخاطب به وسیله رسانه در رسانه (یعنی کانال انتقال) دچار مشکلات و دگرگونی‌هایی خواهد شد که با واقعیت حقیقی رخ داده یا شکل گرفته متفاوت خواهد بود. این، در شرایطی است که عوامل و عناصر رسانه‌ای در پیام اقدام به دستکاری و تحریف نکنند که اگر چنین اتفاقی رخ دهد، پیام «وارونه و ناروا» ارائه خواهد شد.

مقاومت اسلامی لبنان و دبیر کل آن از نمونه‌های موفق انتقال پیام انقلاب اسلامی به انسان امروزند.

«من امیدوارم که این بسیج عمومی اسلامی، الگو برای تمام مستضعفین جهان و ملت‌های مسلمان عالم باشد و قرن پانزدهم، قرن شکستن بت‌های بزرگ و جایگزینی اسلام و توحید به جای شرک و زندقه و عدل و داد به‌جای ستم‌گری و بیدادگری و قرن انسان‌های متعهد به‌جای آدم‌خواران بی‌فرهنگ باشد.» (۵۸/۱۲/۱) «ما باید در جنگ اعتقادی‌مان، بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم.» (۶۷/۴/۲۹)

«باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است، چراکه بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست.» (۶۷/۹/۲)

این پیام‌های انقلاب به‌وسیله بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی صادر شده است و مخاطبان واقعی نیز به نیکی آن را دریافته‌اند.

برخی از این مخاطبان، امروز با نام حزب‌الله لبنان و حماس فلسطین شناخته می‌شوند که خود پیام‌هایی شده‌اند برای آن‌هایی که امروز در جست‌وجوی پیام واقعی برای زندگی خویش‌اند. آن‌هایی که دیروز موانع و حجاب‌ها، اجازه دریافت پیام انقلاب را به آن‌ها نمی‌داد.

در این میان سوال‌هایی مطرح است که به برخی از آن‌ها در حد وسع و توان اشاره خواهد شد. یکی از این سوال‌ها پرسش از چگونگی ارتباط بین مقاومت اسلامی و جامعه و محیط پیرامون برای همراه‌نگه‌داشتن افکار عمومی است.

افکار عمومی، پدیده‌ای است که در جهان معاصر، نقشی اساسی در جهت‌گیری دولت‌ها، تحول‌ها و دگرگونی‌های اجتماعی ملی، منطقه‌ای و جهانی ایفا می‌کند.

افکار عمومی ریشه در تاریخ «زندگی جمعی» بشر دارد، اما جایگاه

جنبش حزب‌الله لبنان که در طی مراحل از دوران شکل‌گیری خود موفق به درهم‌کوبیدن هیمنه رژیم غاصب اسرائیل و آمریکا، به‌عنوان اصلی‌ترین حامی این رژیم، شده است، در افکار عمومی جوامع مختلف دارای جایگاه و پایگاه فکری و مبارزاتی است. صاحب‌نظران حوزه جامعه‌شناسی و ارتباطات اجتماعی، به‌ویژه آن‌هایی که دارای اطلاعات بیشتر و بهتری از ماهیت تسلیحاتی و قدرت نظامی رژیم غاصب اسرائیل و آمریکا هستند، در تلاشی مستمر به دنبال دریافت «حقایقی‌اند» که حزب‌الله را این‌گونه غالب کرده است!

البته مجاوران فکری، فرهنگی، معنوی، مذهبی و جغرافیایی حزب‌الله نیز دوست دارند از راز و رمزهای توفیق آنان بیشتر و بهتر بدانند. و از همه بالاتر افراد، گروه‌ها، احزاب، جنبش‌ها و سازمان‌هایی که در پی ایجاد جریان‌هایی مشابه برای رهایی از سلطه وابستگان مسلط بر کشورهایشان هستند، خویش را مستحق دریافت راز و رمزهایی می‌دانند که این جنبش مقاومت را پیروز کرده است.

گروه اول که همواره گرفتار اوهام خویش‌اند، توفیق‌های حزب‌الله را جز در ساختار و سازمان و اسلحه و ساز و برگ‌های تسلیحاتی نمی‌جویند و راهی به شناخت و درک و فهم هم نخواهند برد، مگر این‌که عینک‌های خود را تغییر دهند.

گروه دوم به‌ویژه مجاوران فکری، فرهنگی، خاصه معنوی و مذهبی، چون تجربه‌هایی مشابه، هرچند اندک، داشته‌اند، به‌لحاظ معنایی، ارتباطی عمیق با حزب‌الله دارند، اما علاقه‌مند به دانستن تحلیل‌های مرتبط در ابعاد مختلف برای وسعت‌بخشی به معنا و مفاهیم دریافتی خویش‌اند.

اما گروه سوم که شاید از لحاظ کمی، انبوه نباشند، منت‌های هر تعدادی که باشند، مطمئناً در تحولات آینده منطقه و دنیا مؤثر خواهند بود که باید به نیازهای آن‌ها پاسخ‌های دقیق، روشن، قابل درک و فهم و دارای عمق و ابعاد مختلف داد تا بتوانند مسیر موفقیت خویش را بشناسند و در امتداد آن حرکت کنند.

پیام

پیام آن پدیده‌ای است که انسان‌های دارنده آن به دنبال ارسال و انتقالش به جامعه مخاطبان هستند و مخاطبان نیز به دنبال دریافت آنند. پیام همان چیزی است که می‌تواند به نیازهای انسان پاسخ دهد، البته اگر نیازهای جامعه انسانی ساختگی باشد. پیام‌های ارسالی هم ساخته دست همان کسانی است که نیازها را ساخته‌اند، پس با این وصف انسان می‌تواند در معرض خطری به نام پیام‌های دروغین هم قرار بگیرد. آیا واقعاً چنین چیزی واقعیت دارد؟

موضوع «واقعیت رسانه‌ای» یا همان «ذهنیت رسانه‌ای» چیزی است که می‌تواند چنین امری را ممکن سازد.

پس دنیای خواسته‌های دروغین بشر مرتبط با رسانه‌هاست، رسانه‌هایی که در ارائه واقعیت‌ها، ضمن این‌که دارای کاستی و

دنیای خواسته‌های دروغین بشر مرتبط با رسانه‌هاست، رسانه‌هایی که در ارائه واقعیت‌ها، ضمن این‌که دارای کاستی و تنگناهای طبیعی هستند، آن را دستکاری نیز می‌کنند



و نقش آن در زندگی انسان معاصر به دلیل رشد شگفت‌انگیز و وسایل ارتباطی، بنیادین و اساسی است. کلید توفیق جنبش مقاومت اسلامی لبنان در برقراری ارتباط مفید و مؤثر با جامعه، در نهاد انسان نهفته است و این امری پیچیده و مرموز نیست، منتهی آن‌هایی بدان واقف می‌شوند و از آن بهره برمی‌گیرند که «حکیم» باشند.

حکیم کسی است که در میان هم‌ردیفان خود عاقلانه‌ترین روش را برای تصمیم‌گیری در تمام شرایط زندگی دارد و همواره عاقلانه‌ترین تصمیم‌گیری‌ها نیز از آن اوست. خاستگاه حکمت، معرفت است و معرفت برآمده از بندگی عالمانه برای خداوند است و بندگی عالمانه ریشه در آگاهی و شناخت خالق، خلقت و خلق الله دارد، یعنی فهم فقهی، عرفانی، فلسفی، اصولی، حماسی، اخلاقی و اجتماعی برای تنظیم امور زندگی؛ چه در خانواده و چه در سازمان‌های اجتماعی. حکمت برای حکیم، هدف‌گذاری پیام را آسان و مؤثر می‌سازد، چراکه شناخت از خلق یا خلیفه‌الله خود، دارای نشان و مسیر است. «فطرت الهی انسان» در ارسال پیام توسط حکیم هدف‌گیری می‌شود، لذا شما می‌بینید مسلمان و غیر مسلمان، شیعه و سنی، گرد جنبش مقاومت و دبیر کل آن جمع می‌شوند و توان فکری و اجتماعی خود را پشت آن قرار می‌دهند.

صداقت در ارسال پیام همانند خلوص و پاکی رخ می‌نماید، میدان فطرت عرصه کژگویی و کذب‌فکنی نیست. سیاست در نزد حکیم، بی پدر و مادر نیست که جان و مال مردم بیهوده پای آن ریخته شود. بلکه حقیقت همان است که ساکنان جنایت‌پیشه سرزمین‌های اشغالی اعتراف کرده‌اند که: «سیدحسن هر چه بگوید عمل می‌کند و اگر تهدید کرد، تهدید او عین اقدام است.»

عرصه فعالیت در زندگی و سازمان جامعه، میدان بازی نیست؛ چراکه بازی مربوط به دوران کودکی است و جز غافلان، کسی فریب گذشته کودکی خویش را نمی‌خورد که زندگی در بونه آزمایش خویش، که هیچ تکرار و امکان بازگشتی در آن ممکن نیست، را با بازی بگذراند.

حکما عاقل‌اند و عاقلان حامل بار رنج انتقال بشر به سرمنزل مقصود و اینان جز حقایق نمی‌گویند و جز راه حق نمی‌پویند. «برای حکیم»، وسایل ارتباط جمعی می‌تواند ابزار باشد و این ابزار در انتقال پیام او به مخاطب رام رام است. لذا شما می‌بینید که سیدحسن نصرالله در بعضی مواقع برای اجتماع عظیم مردم از طریق ابزار رسانه‌ای (ویدئو کنفرانس) اقدام به سخنرانی می‌کند و مخاطب همانند زمان حضور ایشان در میان جمع، پای سخنرانی می‌نشیند یا می‌ایستد.

پس سبب برقراری ارتباط با مخاطبان توسط جنبش مقاومت اسلامی لبنان در معرفت حکیمانه نهفته است که با فطرت انسان‌ها مکالمه می‌کند و فطرت الهی انسان، سره را از ناسره تشخیص می‌دهد.

سؤال دیگر این‌که صرف وجود رهبری حکیم و داشتن اعتقاد، پیروزی‌آور است؛ به عبارت دیگر هر جمع یا گروه، اگر دارای

رهبری حکیم بود و به خدا و خود اعتقاد داشت، می‌تواند در مقابل زورگویان، سلطه‌گران و متجاوزان پیروز شود؟ باید گفت که نتیجه، محصول «تلاش» است، تلاش‌های دارای اعتقاد و باور و دارای پیوند با رهبری حکیمانه و همراه با وحدت کلمه، پیروزی‌آور است، آن‌هم تلاش‌های هدفمند، که پای‌بندی به نظم و انضباط سازمانی و پروریدن خود برای مقاومت در شرایط سخت، پیچیده، بحرانی، نیازمند به تصمیم و نیز لازمه آن است. «و آن لیس للإنسان إلا ما سعی (نجم ۳۹) و نمی‌داند این‌که برای آدمی جز آن‌چه به سعی خود انجام داده نخواهد بود؟» دیگران شیرینی پیروزی جنبش مقاومت اسلامی لبنان را «چون می‌بینند» بی‌رنج و سختی‌های تلاش، از آن لذت می‌برند. در حالی‌که جوانان و مردان و زنان این جنبش، با هموار کردن رنج و تلاش و سختی‌های نظم و تمرین و آموزش و آزمایش و آرایش‌های خاص رزم چریکی توأم با اعتقاد و اخلاص به این شیرینی و لذت دست یافته‌اند.

غفلت از کار و تلاش، بی‌گیری و خستگی‌ناپذیری است که دشمن را امیدوار می‌سازد. در هر کجا که نظم و تلاش و خستگی‌ناپذیری و اعتمادبه‌نفس و اعتقاد و اطمینان و اعتماد به خدا وجود داشته باشد، موفقیت و حرکت به سمت قله پیروزی شکل خواهد گرفت. از دیگر سؤال‌هایی که می‌تواند در این باره وجود داشته باشد «اطمینان و اعتماد» به خداوند است. به زبان دیگر خیلی‌ها مان به خداوند اعتقاد داریم، اما به وعده‌هایش اعتماد نداریم و دلیل آن را هم باید در وجود خویش جست‌وجو کنیم.

وقتی در خود و عرصه تنگ و به‌معنایی فراخ وجود خود قدم می‌زنیم، می‌بینیم ما کتاب‌الله را که کتاب «خبر» و «قوانین» است را صرفاً مقدس می‌شماریم نه «کتاب زندگی»

کتاب زندگی این قرآنی نیست که برخی از ما در ذهن و زندگی خود می‌شناسیم، این قرآن کتابی مقدس است که هرگاه وقت کردیم چند خط یا چند صفحه از آن بخوانیم، سپس بی‌وسیم و در طاقچه قرارش دهیم. حال آن‌که کتاب اخبار صادق و قوانین محکم و لا یتغیر، آن قرآنی است که در متن زندگی قرار می‌گیرد و با صراحت می‌گوید حزب خدا پیروز است: «فان حزب الله هم الغالبون» (مائده ۵۶) و حزب‌الله هم چه در ایران، چه در لبنان و چه در فلسطین و چه در عراق و در هر کجای دیگر، آن‌را به یقین باور می‌کند و منطبق با دستورات آن به پیروزی می‌رسد. پس اعتماد به خدا نیازمند اعتماد به خود است و اعتماد به خود نیازمند شناخت خود و شناخت خود موجب شناخت عالم می‌شود که قرآن کتاب کامل قوانین و اخبار آن است و هرکس به اخبار و قوانین قرآن اعتنا کند، به خدای خویش ضمن اعتقاد داشتن، اعتماد هم خواهد کرد و این موجب پیروزی او در دنیا و رستگاری‌اش در جهان آخرت خواهد شد.

پیام حزب الله، مقاومت و تسلیم‌ناپذیری و رسانه آن بر مبنای «حکمت» هر ابزاری است که بتواند پیامش را به فطرت الهی انسان برساند. ■



کلید توفیق جنبش مقاومت اسلامی لبنان در برقراری ارتباط مفید و مؤثر با جامعه، در نهاد انسان نهفته است و این امری پیچیده و مرموز نیست

